

حدود تعهد اطلاع رسانی پیش قراردادی در قوانین بیمه انگلستان و ایران

مظاهر خواجهوند^۱، داود سلطانیان^{۲*}

چکیده:

زمینه و هدف: تعهد به اطلاع رسانی پیش قراردادی یکی از مواردی است که حقوق قرارداد های مدرن آن را از لوازم ضروری یک عقد صحیح و لازم الاجرا تلقی کرده است. در این مقاله تلاش شده حدود تعهد اطلاع رسانی پیش قراردادی در قوانین بیمه انگلستان و ایران بررسی شود. سوال اصلی که در این خصوص مطرح و بررسی شده این است که حدود تعهد اطلاع رسانی پیش قراردادی در قوانین بیمه انگلستان و ایران به چه صورت است؟

روش شناسی: مقاله توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه ای به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته است.

یافته ها و نتایج: نتایج تحقیق بیانگر این امر است قانونگذار ایران در مواد ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه، به تعهد اطلاع رسانی پیش قراردادی پرداخته و بیمه گذار را ملزم به ارائه اطلاعات صحیح در حق بیمه گر نموده است. این تقنین که حاوی دستوراتی مبهم است همواره سوالاتی را در خصوص حدود تعهد و کیفیت اجرای آن ایجاد نموده است. این در حالیست که همزمان در حقوق بیمه انگلستان، با وجود سیستم کامن لا، مقنن به تفصیل به موضوع تعهد اطلاع رسانی پیش قراردادی پرداخته و با تقسیم قرارداد های بیمه به تجاری و غیر تجاری، کیفیت های متفاوتی از تعهد را مورد پیش بینی قرارداده است. نوشتار حاضر با مطالعه تطبیقی و استفاده از تجربه قانونی کشور انگلستان، ارکان تعهد را شناسایی و در نهایت به این موضوع دست یافته که در حقوق ایران، از یک سو کیفیت قرارداد تأثیری در نوع تعهد نداشته و از سوی دیگر بیمه گذار در وضعیتی مشابه بیمه های غیر تجاری انگلستان، صرفاً ملزم به حسن مراقبت و خودداری از تدلیس است و اجباری به ارائه داوطلبانه اطلاعات ندارد.

واژگان کلیدی: اطلاع رسانی، پیش قرارداد، بیمه گذار، بیمه گر، قرارداد بیمه.

^۱ عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران.

^۲ دکتری حقوق خصوصی و مدرس واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

تعهد اطلاع رسانی پیش قراردادی در حوزه قرارداد بیمه، بیمه گذار را موظف به ارائه اطلاعاتی می نماید که در تصمیم بیمه گر برای انعقاد قرارداد یا درج شرایط خاص برای پوشش بیمه ای موثر است. طبیعتاً در این مفهوم، موضوع تعهد دارای مرز مشخصی است. اطلاعات خاصی در حوزه تعهد قرار می گیرد و بیمه گذار اجباری به ارائه تمام داده های خود ندارد. اما این اطلاعات کدامند؟ آیا معیار خاصی در این زمینه وجود دارد؟ حقوق بیمه انگلستان از یک قرن پیش به این موضوع توجه داشته و با تصویب قانون بیمه دریایی سال ۱۹۰۶، مقرراتی را در این خصوص تصویب نموده است. چنانکه مواد ۱۸ و ۱۹ این قانون صراحتاً ارکان تعهد را مورد شناسایی قرار داده و با ارائه معیارهایی، بیمه گذار را ملزم به ارائه مجموعه خاصی از اطلاعات نموده است. در همین راستا با گذشت زمان و احساس نیاز به تعدیل، در سال های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ به ترتیب قوانینی جدید در حوزه بیمه مصرف کنندگان (غیر تجاری) و غیر مصرف کنندگان (تجاری) به تصویب رسید که حاوی اصلاحاتی اساسی بود و با ارائه معیارهای جدید، به صورت اختصاصی مرز تعهد اطلاع رسانی را تغییر داد. (قاسمی حامد، ۱۳۷۴: ۸۹) به نحویکه در قانون بیمه ۲۰۱۲، بیمه گذار صرفاً موظف به پاسخگویی به سوالات بیمه گر و رعایت حسن مراقبت گردید و بلعکس در قانون بیمه ۲۰۱۵، وظیفه ارائه ابتدایی اطلاعات، منصرف از درخواست بیمه گر برای بیمه گذار مورد شناسایی قرار گرفت و البته در هر دو قانون فوق، استثنائاتی پیش بینی گردید که از حوزه تعهد بیمه گذار می کاست. لذا در مجموع مرز مشخصی از تعهد برای بیمه گذار تجاری یا غیر تجاری مورد پیش بینی قرار گرفت. این درحالیست که در حقوق بیمه ایران اولاً هیچگونه تفکیکی میان انواع قرارداد بیمه صورت نگرفته و ثانیاً، در تنها قانون موجود یعنی قانون بیمه ۱۳۱۶ صرفاً دو ماده به صورت مختصر و مبهم به احکام تعهد اطلاع رسانی پیش قراردادی پرداخته و طبیعتاً مخاطب را در حجم عظیمی از سوالات بی پاسخ رها نموده است. مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مزبور، صرفاً با اشاره مختصر به لزوم مراقبت بیمه گذار در ارائه اطلاعات، بلافاصله وارد بحث ضمانت اجرای نقض تعهد گردیده و از ارائه اطلاعات بیشتر در زمینه کیفیت تعهد خودداری نموده است. در این میان گذشت زمان و بازخورد آسیب های ناشی از نقض تعهد، سکوت قانون را بیش از پیش نمایان ساخته و حقوق دانان را به سمت بررسی و تحلیل موقعیت، بر اساس داده های محدود، اصول حقوقی و یا دستورالعملهای پراکنده صادره از مراجع بیمه ای سوق داده است. نوشتار حاضر تلاشی دیگر از این جنس بوده و بنا دارد این بار با مراجعه به حقوق انگلستان و استفاده از تجربه دقیق این کشور، ضمن معرفی ارکان تعهد، فروض موجود در خصوص حدود تعهد را معرفی و با جستجو در متون داخلی، نزدیک ترین پاسخ ها را ارائه نماید. فرضیه مقاله مبتنی بر این است که

در حقوق ایران می توان با توجه به عدم پیش بینی حکم قانونی برای الزام به ارائه اطلاعات، و اصولی مانند اصل عدم بیمه گذار را صرفاً موظف به ارائه داوطلبانه اطلاعات دانست و با ورود استثنائات به حکم عقل، عرف و اصولی مانند انصاف و عدالت، از حوزه تعهد بیمه گذار کاست.

۱. ارکان تعهد اطلاع رسانی

تعهد اطلاع رسانی دارای سه رکن است. متعهد، متعهد له و موضوع تعهد. به عبارت دیگر در این مفهوم، شخصی موظف به ارائه اطلاعات است، شخصی از دریافت اطلاعات سود می برد و در نهایت مجموعه ای خاص از اطلاعات باید ارائه گردد. در ادامه پس از معرفی متعهد و متعهد له، به موضوع تعهد به عنوان مهمترین رکن پرداخته خواهد شد تا از طریق بیان اصول و استثنائات، حدود آن مورد شناسایی قرار گیرد.

۱-۲. متعهد

منظور از متعهد، شخصی است که در طول مذاکرات پیش قراردادی، موظف به ارائه اطلاعات است. طبیعتاً قوانین موجود، بیمه گذار را ملزم به ارائه اطلاعات دانسته و او را در نقش متعهد قرار داده است؛ با این وجود می توان موقعیت های خاصی را در نظر گرفت که اطلاعات بیمه گر، در کیفیت انتخاب و تصمیم بیمه گذار موثر بوده باشد. لذا جا دارد مختصری به این موارد نیز اشاره گردد.

۱-۱-۲. بیمه گذار

اولین تصویری که از مخاطب تعهد اطلاع رسانی در ذهن ایجاد می شود، بیمه گذار است. چرا که اصولاً این شخص اطلاعاتی را در اختیار داشته که می تواند، معیار سنجش ریسک، تعیین حق بیمه و اساساً پذیرش یا عدم پذیرش انعقاد قرارداد از سوی بیمه گر شود. صرف نظر از این امر، بیمه گذار به واسطه ارتباطی که با موضوع بیمه دارد می تواند با سهولت بیشتری خطرات موجود و آینده را پیش بینی می نماید لذا منطقی است که در درجه اول، تعهد بر عهده او قرار گیرد چنانچه قانون، عرف، قرارداد و اصولی مانند انصاف و حسن نیت، نیز این امر را تایید می نماید. (انصاری، ۱۳۹۴: ۳۳)

در حقوق انگلستان هر دو قانون ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ به وجود این تعهد برای بیمه گذار اشاره نموده اند. قانون بیمه ۲۰۱۲ در خصوص بیمه مصرف کنندگان مقرر می دارد: «این وظیفه بیمه گذار است که اطلاعات لازم را پیش از انعقاد قرارداد در اختیار بیمه گر قرارداد داده و مراقبت نماید در این زمینه مرتکب تقلبی نشود» (بند ۲ ماده ۲).

این حکم مجدداً سه سال بعد در خصوص بیمه غیر مصرف کنندگان تکرار می شود: «بیمه گذار موظف است قبل از ورود به قرارداد، نسبت به خطرات موجود به صورت منصفانه اطلاع رسانی کند» (بند ۱ ماده ۳). لازم به ذکر است، اشاره به متعهد اطلاع رسانی، در کنار این موضوع بوده که

هیچ یک از دو قانون فوق، مقرره ای برای الزام بیمه گر بر ارائه اطلاعات نداشته اند؛ لذا پیش بینی و تقنین در زمینه تعهد اطلاع رسانی از سوی قانونگذار مبتنی بر معرفی بیمه گذار به عنوان تنها متعهد این تکلیف بوده است.

حال سوال این است آیا حقوق بیمه ایران، تصریحی نسبت به مخاطب تعهد اطلاع رسانی دارد؟ پاسخ مثبت است. ماده ۱۲ قانون سال بیمه ۱۳۱۶ چنین مقرر می‌کند: «هر گاه بیمه گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود حتی اگر مراتب مذکوره تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد. در این صورت نه فقط وجوهی که بیمه گذار پرداخته است قابل استرداد نیست بلکه بیمه گر حق دارد اقساط بیمه را که تا آن تاریخ عقب افتاده است نیز از بیمه گذار مطالبه کند.» همانطور که مشاهده می شود صراحت ماده، تعهد اطلاع رسانی را بر بیمه گذار بار کرده و او را موظف به رعایت آن دانسته است؛ امری که می تواند تا بطلان یا فسخ قرارداد نیز به پیش رود. لذا همانطور که مشاهده می شود، قانون بیمه به عنوان قانونی عام که منحصر به نوع خاصی از قرارداد نیست، بیمه گذاران را موظف به اجرای تعهد اطلاع رسانی در مرحله پیش قرارداد دانسته است.

۲-۱-۱. بیمه گر

طرف دوم مذاکرات پیش قراردادی، بیمه گر است. اما آیا او نیز موظف به ارائه اطلاعات است؟ همانطور که گفته شد، اکثر قوانین مصوب در زمینه تعهد اطلاع رسانی به بیمه گذار ختم شده و این تصور را در ذهن ایجاد نموده اند که بیمه گر، تعهد متقابلی در زمینه ارائه اطلاعات ندارد. با این وجود به نظر می رسد این حکم مطلق نیست و باید به موقعیت های خاص قراردادی نیز توجه نمود.

در این زمینه حقوق انگلستان تا مدت ها تعهد اطلاع رسانی را صرفاً بر عهده بیمه گذار قرار می داد و از بیمه گر انتظاری جز دریافت اطلاعات نداشت. اما با گذشت زمان نقص این اطلاق مشخص گردید و نیاز بیمه گذار به دریافت اطلاعات متقابل برای تصمیم گیری مناسب، نمایان شد. در واقع صرف ارائه اطلاعات از سوی بیمه گذار و رها شدن او در جریان مذاکرات، شکافی اطلاعاتی ملموسی میان طرفین ایجاد می نمود که انصاف نمی توانست از آن چشم پوشی کند. لذا به تدریج تمایل به درج تکلیف برای بیمه گر ایجاد و تعهداتی بر این مبنا برای او پیش بینی شد. این امر که به مرور زمان رویه ای مشخص در زمینه اطلاع رسانی بیمه گر ایجاد نمود، در محتوا او را ملزم به ارائه اطلاعات در خصوص پوشش بیمه ای، شرایط، استثنائات و حدود آن می نمود، تا در نهایت شرایط برای انتخاب آگاهانه بیمه گذار فراهم گردد (گارسس، ۲۰۱۵: ۳).

اما در خصوص حقوق ایران چگونه؛ آیا در این سیستم حقوقی، تعهدی برای بیمه گر در جهت ارائه اطلاعات پیش بینی شده است؟ در پاسخ باید گفت قانون بیمه ایران، صرفاً بیمه گذار را مورد حکم قرار داده و مقرره ای در مورد اجرای تعهد اطلاع رسانی از سوی بیمه گر پیش بینی ننموده است. لذا قانون در این زمینه ساکت است. با این وجود، تاثیر اطلاعات بیمه گر در جریان مذاکرات غیرقابل انکار است و نمی توان صرفاً به استناد سکوت قانون، از بیمه گر رفع تکلیف نمود (عابدیان، میرحسین، خروشی و عبدالعظیم، ۱۳۸۸: ۲۲۱). برای مثال بیمه گذار نیازمند اطلاع از کیفیت پوشش قرارداد بیمه یا جبران خسارت است و اطلاعاتی از این دست بر تصمیم او در انعقاد قرارداد تاثیر می گذارد. در این مورد حتی وجود شائبه هایی مانند تحمیلی بودن قرارداد بیمه و ضعف قدرت بیمه گذار در تنظیم قرارداد، نمی تواند منکر حق او در دریافت اطلاعات بوده باشد چراکه حتی در این حوزه خاص نیز، اقدام فرد ضمانت اجرای ویژه خود را دارد و او مختار است با علم و آگاهی در این زمینه تصمیم گیری نماید لذا حتی چتری مانند تحمیلی بودن قرارداد بیمه، نمی تواند نافی تعهد بیمه گر در ارائه اطلاعات باشد. ازین رو متعاقباً آیین نامه هایی در زمینه تعهد بیمه گر به اطلاع رسانی به تصویب رسید که توانست تا حدودی این سکوت را جبران نماید. برای مثال آیین نامه شماره ۵۷ شورای عالی بیمه چنین مقرر نمود: « نماینده موظف است اطلاعات لازم درباره بیمه نامه درخواست شده از جمله نرخ و شرایط، استثنائات، تعهدات بیمه گر و وظایف بیمه گزار را با رعایت بخشنامه ها و دستورالعمل های مربوط، به متقاضی بیمه ارائه نماید» همچنین آیین نامه شماره ۷۱ با هدف تامین انتظارات بیمه گذار با جزییات بیشتر به بیان تعهدات و الزامات بیمه گر پرداخته و در مقدمه مقرر می دارد: «از جمله اهداف تصویب این آیین نامه، الزام بیمه گران به ارائه اطلاعات کامل، درست و به موقع، قبل و بعد از صدور بیمه نامه به بیمه گذاران است». در ادامه ماده ۸ برای تکمیل بحث چنین پیش بینی می نماید: «عرضه کننده بیمه موظف است همه اطلاعات ضروری در مورد پوشش های بیمه ای، وظایف و تعهدات بیمه گر و بیمه گذار، میزان حق بیمه و نحوه پرداخت آن، استثنائات و محدودیت های بیمه نامه، تاریخ شروع و انقضای بیمه نامه، نحوه ارائه خدمات بیمه ای و سایر توضیحات لازم را به متقاضی خدمات بیمه به صورت مناسب اعلام نماید. این اطلاعات باید به گونه ای ارائه شود که مقایسه خدمات بیمه ای را از نظر قیمت، مدت و شرایط برای متقاضی خدمات بیمه امکانپذیر سازد» لذا چنانچه مشاهده می شود، نیاز صنعت بیمه به اطلاع رسانی بیمه گر، علیرغم سکوت قانون، توسط آیین نامه های شورای عالی بیمه تا حدودی پاسخ داده شده است.

۲-۱. متعهد له

منظور از متعهد له در تعهد اطلاع رسانی، شخصی است که ذی حق دریافت اطلاعات است. این شخص به فراخور بحث، می تواند بیمه گذار یا بیمه گر باشد. چرا که هریک از این دو طرف به

نوعی از حمایت تعهد اطلاع رسانی برخوردار بوده و در عین حال، دریافت اطلاعات، نقش بسیار مهمی در تعیین استراتژی آنها خواهد داشت. کماینکه بیمه گذار به واسطه اطلاعاتی که دریافت می کند از شرایط، محدودیت و ظرفیت های بیمه نامه مطلع گردیده و امکان مقایسه و جستجو می یابد. در مقابل بیمه گر در موقعیتی حساس تر، بنا به اطلاعاتی که از بیمه گذار دریافت می کند، ریسک اقتصادی قرارداد را سنجیده و به فراخور شرایطی را پیش بینی یا اساسا متمایل به عقد یا از انعقاد قرارداد منصرف می گردد. لذا وجود این منافع و حساسیت ها، هریک از طرفین را در مقام «متعهدله» قرارداده و او را ذی حق اجرای تعهد می گرداند.

۲-۱. موضوع تعهد

مهمترین عنوان در بحث «تعهد اطلاع رسانی»، بررسی موضوع تعهد است. از محل این عنوان، حدود تعهد بیمه گذار در مرحله مذاکرات مقدماتی روشن می گردد، عکس العمل بیمه گر و تکالیف قانونی او در این حوزه عنوان می شود و در نهایت استثنائاتی که از حدود تعهد بیمه گذار می کاهد معرفی می گردد. (ایزائلو، ۱۳۹۰: ۳۴) در ادامه با ورود به قوانین، ابتدا مرز تعهدات معرفی و سپس به استثنائات موجود در این زمینه پرداخته خواهد شد.

۲. حدود تعهد در حقوق انگلستان

۲-۱. حدود تعهد در قانون بیمه ۲۰۱۲

در حقوق انگلستان تا قبل از سال ۲۰۱۲، معیار ثابتی در زمینه اطلاع رسانی پیش قراردادی وجود داشت که منبعث از قانون بیمه سال ۱۹۰۶ بود. بر اساس این معیار، بیمه گذار موظف می گردید تمام اطلاعات موثر بر تصمیم بیمه گر را در مرحله پیش قرارداد ارائه دهد. جالب اینجاست اجرای این تعهد یکجانبه گاها تا اندازه ای مورد حمایت قرار می گرفت که جهل بیمه گذار نسبت به موثر بودن اطلاعات، نادیده گرفته می شد و مطلق نقض تعهد، به متعهد له اختیار فسخ قرارداد می داد.

باگذشت زمان، ایرادات متعددی به اطلاق این معیار وارد گردید و مکررا تصویب نامه هایی در زمینه تعدیل آن صورت گرفت. تا اینکه در نهایت تلاش ها نتیجه داد و با تصویب قانون بیمه صرف کنندگان در سال ۲۰۱۲، معیار «تلاش متعارف برای جلوگیری از تدلیس» جایگزین معیار «ارائه یکجانبه اطلاعات» شد. بنابر معیار جدید، دیگر بیمه گذار وظیفه ای بر ارائه داوطلبانه اطلاعات نداشت و این بیمه گر بود که می بایست برای کسب اطلاعات، پرسش های لازم را مطرح می نمود. لذا مرز تعهد اطلاع رسانی به کلی تحت تاثیر قرار گرفت و صرفا اطلاعاتی در حوزه آن قرار گرفت که ابتدائا، ارائه آن توسط بیمه گر مورد مطالبه قرار گرفته است.

در این میان جدای از الزام بیمه گذار به دقت در پرسش های مطروحه و ارائه پاسخ صحیح و روشن، قانونگذار او را در ارائه داوطلبانه اطلاعات آزاد گذاشته و با قید «مراقبت در عدم تدلیس»، این قسم از اطلاعات را تحت پوشش قرار داد. لذا گروه دیگری از اطلاعات که وارد حوزه تعهد می شوند، داده های داوطلبانه ای است که از سوی بیمه گذار ارائه می شوند و تدلیس در آنها می تواند ضمانت اجراهای متفاوتی داشته باشد.

حال سوالی که در این میان مطرح میشود در خصوص عبارت «دقت بیمه گذار» است. این دقت با چه معیاری سنجیده می شود. چنانچه گفته شد، اطلاعاتی که از دقت بیمه گذار نشات می گیرد در حوزه تعهد قرار دارد؛ طبیعتاً ممکن است بیمه گذار برای فرار از تعهد به مرز مبهم دقت خود اشاره و مدعی شود با وجود توجه، به اطلاعات مزبور دسترسی نداشته است. لذا باید دید قانونگذار چه معیار و راه حلی در این زمینه ارائه داده است.

ماده ۳ قانون ۲۰۱۲ به این موضوع پرداخته و معیار «دقت متعارف» را برای اجرای تعهد در نظر می گیرد. معیاری نسبی که می تواند از عوامل محیطی تاثیر پذیرد. این قانون در ادامه نمونه های از فاکتورهای تاثیر گذار را معرفی می نماید مانند نوع خاص قرارداد، میزان وضوح سوالات، حضور یا عدم حضور نماینده... لذا مشاهده می شود که بیش از هر چیز، شرایط خاص هر قرارداد، فاکتوری است که در تعیین درجه کفایت توجه بیمه گذار نقش بازی می کند و در نهایت قضاوت در مورد مرز تعهد را به امری نسبی تبدیل می نماید. برای مثال درجاییکه بیمه گر از پرسش نامه های رایج استفاده می نماید، باید به دریافت اطلاعات کلی و دقت متعادل بیمه گذار امیدوار بود؛ درحالیکه طرح پرسش های موردی و خاص برای رسیدن به اطلاعات جزئی، مسلماً دقت بالاتری را از بیمه گذار برای پاسخگویی می طلبد. لذا شرایط قرارداد، معیاری است که میزان دقت نهایی بیمه گذار را مشخص می نماید.

حال سوال دیگری که در این زمینه مطرح می شود، مربوط به شخص متعهد است. آیا شرایط شخصی بیمه گذار تاثیری در حوزه تعهد او خواهد داشت؟ قانونگذار دقیق به این سوال نیز پاسخ داده و در تکمیل داده های قبل مقرر می دارد: تمام داده های قبل در ذهن یک بیمه گذار عرفی، سنجیده می شود. توضیح اینکه، قبل از ذکر بند حاضر، مجموعه شرایطی وجود داشت که می توانست بر هوشیاری متعارف یک بیمه گذار تاثیر بگذارد. حال این شرایط بر چه شخصی بار می شد؟ چنانچه ممکن است در مقابل بیمه گذاری وجود داشته باشد که به دلیل سالها تجربه به تبحری خاص دست یافته و کوچکترین دریافت او را به نهایت تحلیل می رساند یا بالعکس، بیمه گذاری باشد که در ابتدای مسیر قرارداد داشته و حتی ذکر این موارد نیز نمی تواند هوشیاری لازم را در او ایجاد نماید. منظور کدام یک از این دو مورد است؟ قانونگذار با درج بند ۳ ماده ۳ به این سوال پاسخ داده: «ملاک یک بیمه گذار متعارف است» شخصی که بنا به موضوع قرارداد، دارای

تخصصی متعارف است؛ لذا در بررسی اجرای تعهد مراقبت (دقت متعارف)، علاوه بر سنجش اوضاع احوال، بیمه گذاری مخاطب قرار می گیرد که دارای یک هوشیاری متعارف است. جالب اینجاست قانونگذار به این حالت عرفی نیز اکتفا نکرده و موارد خاص شخصی را هم مد نظر قرار می دهد چنانچه در ادامه با پیش بینی بند ۴، وجود شرایط خاص شخصی مانند بیماری یا بی سوادی بیمه گذار را نیز در نظر گرفته و آن را به عنوان فاکتوری موثر برای تعیین حدود تعهد او معرفی می نماید. لذا به موجب قانون اگر بیمه گذار دارای شرایط ویژه ای بود که بیمه گر نسبت به آن آگاهی داشت و در عین حال شرایط مزبور موجب ناتوانی در اجرای تعهد گردد، باید به موجب قانون مورد لحاظ گرفته و به اوصاف بیمه گذار متعارف، اضافه گردد. این تعدیل نهایی معیار «بیمه گذار نوعی» را به سمت «بیمه گذار واقعی» داده و مرز نسبی تعهد بیمه گذار را روشن می نماید.

۲-۲. حدود اطلاعات در قانون بیمه ۲۰۱۵

پس از قانون بیمه سال ۲۰۱۲، قانون بیمه ۲۰۱۵، گروه دوم بیمه گذاران یعنی بیمه های تجاری را تحت پوشش قرار می دهد. جالب اینجاست که با وجود قاعده شکنی قانون بیمه ۲۰۱۲ و پیش بینی معیاری جدید برای حوزه تعهد، قانون ۲۰۱۵ بازگشتی به سابق داشته و بار دیگر به قواعد مندرج در قانون سال ۱۹۰۶ با تعدیلاتی محدود رسمیت بخشیده است.

توضیح اینکه بر مبنای قانون جدید مجدداً وظیفه یکجانبه ارائه اطلاعات بر دوش بیمه گذار قرار گرفته و او متعهد گردید ولو با عدم درخواست بیمه گر، مجموعه خاصی از اطلاعات را به صورت یکجانبه در اختیار او قرار دهد. اطلاعاتی که همزمان از علم بیمه گذار، علم بیمه گر تاثیر می پذیرد. با این توضیح که در مجموعه فوق، اطلاعاتی در ذهن بیمه گذار وجود دارد که باید ارائه شود و در عین حال اطلاعاتی در ذهن بیمه گر وجود دارد که مرز تعهد را تعدیل نموده و از حوزه آن می کاهد. در این میان «عرف» به عنوان معیار، پیش فرض اطلاعات را در هر یک از دو حوزه فوق معرفی می نماید. (گارسس، ۲۰۱۵: ۸۲) در ادامه اطلاعات مفروض بیمه گذار معرفی گردیده و بررسی اطلاعات بیمه گر به علیت ویژگی محدود کننده آن در قسمت استثنائات انجام می گیرد. همانطور که گفته شد، مطابق قانون بیمه ۲۰۱۵، بیمه گذار موظف است در مرحله مذاکرات مقدماتی، اطلاعاتی را که در اختیار دارد به بیمه گر ارائه نماید. این اطلاعات که به موجب عرف برای بیمه گذار مفروض می شود در دو گروه کلی قرار می گیرد: اطلاعاتی که بیمه گر می داند و اطلاعاتی که بیمه گر باید بداند.

الف- اطلاعاتی که بیمه گر می داند

منظور از اطلاعات فوق، داده هایی است که بنابر حواس پنجگانه، سابقه تجربه و علوم عام در

اختیار بیمه گذار قرار دارد. در این میان تلاش بیمه گذار برای دریافت اطلاعات یا خودداری او از دریافت، تاثیری در فرض مسئولیت او نداشته و او بنا بر حکم قانون موظف به ارائه اطلاعات مزبور در حق بیمه گر است. برای مثال قاضی سیمون براون در موضوعی مشابه برای خودداری بیمه گذار از دریافت اطلاعات چنین نظر داده است: «گفته شده که بیمه گذار عمداً چشمش را به روی حقیقت نبسته است. اما باید توجه داشت که دوربین گذاشتن به روی چشم نابینا بی فایده است و این کوری به معنای علم خواهد بود». (سویر، ۲۰۱۴: ۳۵). لذا سختگیری قانونگذار برای فرض چنین اطلاعاتی بسیار جدی است.

در این میان نکته مهمی که باید به آن توجه نمود، وضعیت بیمه گذاران حقوقی است. اشخاص حقوقی به طور معمول از افراد تصمیم گیرنده ای استفاده می کنند که در جایگاه خاص خود قرار داشته و به صورت یک عنصر، در نهایت شخصیت حقوقی را تشکیل می دهد. حال در فرض اخیر، اطلاعات مفروض در اختیار چه کسی قرار دارد؟

قانونگذار در ماده ۴ به آن سوال پاسخ می دهد: «بیمه گر حقوقی عالم به اطلاعات زیر است: ۱. اطلاعاتی که مدیر ارشد می داند ۲. اطلاعاتی که افراد مسئول در قرارداد از آن برخوردارند». همانطور که ملاحظه می شود، قانون به صراحت، اطلاعات موضوع تعهد را مشخص نموده است؛ لذا در مقام اجرای تعهد، این داده ها باید از سوی بیمه گذار در اختیار بیمه گر قرار گیرد ولو دارنده اطلاعات متفاوت از شخص در گیر در جریان مذاکره بوده باشد.

ب- اطلاعات نوعی یا آنچه که بیمه گذار باید بداند

دسته دوم، داده هایی است که بنابر حرفه و فعالیت بیمه گذار، در اختیار او قرار می گیرد. بنابر قانون این اطلاعات به صورت مفروض در اختیار بیمه گذار قرار دارد و او موظف به ارائه آن در حق بیمه گر است. این دسته از اطلاعات که عمدتاً به واسطه تحقیق بدست می آیند، به طور معمول برای افراد قابل دسترسی بوده و کسب آن نیاز به انجام تحقیقات گسترده و سنگین ندارد. قانون نیز در این مورد معیار "تحقیق منطقی" را ارائه داده تا با کمک عرف، مرز مشخصی را برای تلاش بیمه گذار ارائه نماید. در همین زمینه به چند نکته باید توجه نمود:

اولاً- نوع ابزار در این تحقیق موثر نیست و فرد می تواند به هر وسیله ای در این زمینه تحقیق کند. ثانیاً- در فرض تحقیق، تفاوتی نمی نماید که بیمه گذار شخص حقیقی یا شخص حقوقی باشد. چرا که اطلاعات در خارج از ذهن قرار داشته و صرفاً باید به وسیله تحقیق کشف شود. ثالثاً- صاحب اطلاعات در این فرض مجموعه گسترده ای از افراد است که در روند مذاکرات وارد نشده اند مانند سازمان بیمه گذار، مشاوران و وکلای مربوطه. در نتیجه مجموعه اطلاعاتی که با یک جستجوی منطقی از این گروه بدست می آید باید به بیمه گر ارائه شود.

۳. حدود تعهد در قانون بیمه ایران

حال نوبت به حقوق ایران است. سوال این است حدود تعهد اطلاع رسانی در حقوق ایران تا چه مرزی است؟ ماده ۱۲ قانون بیمه ایران در مورد تعهد اطلاع رسانی مقرر می‌دارد: «هر گاه بیمه‌گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه‌گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود حتی اگر مراتب مذکوره تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد» همانطور که مشاهده می‌شود قانونگذار در مورد تعهد اطلاع رسانی، بیمه‌گذار را از کتمان حقایق عمده و ارائه اظهارات کذب منع نموده است. حال سوال این است که با توجه به پیشینه بحث در حقوق انگلستان، حقوق ایران از کدامیک از معیارهای اطلاع رسانی استفاده نموده است؟ آیا بیمه‌گذار صرفاً موظف به رعایت حسن دقت در مقام پاسخگویی است (مانند قانون سال ۲۰۱۲)، یا اساساً وظیفه ارائه یکجانبه اطلاعات منصرف از مطالبه یا عدم بیمه‌گر را بر عهده دارد؟ (مانند قانون سال ۲۰۱۵) پاسخ قطعی روشن نیست. برخی از نویسندگان برای دست‌یابی به پاسخ، معیاری ترکیبی از «بیمه‌گذار معقول» و «بیمه‌گر فعال» را ارائه داده‌اند. با این توضیح که قاعدتاً بیمه‌گر باید با طرح سوالات لازم، ارائه اطلاعات را از بیمه‌گذار مطالبه نماید. اما در موارد استثنایی، بیمه‌گذار معقول به صورت یکجانبه موظف به ارائه اطلاعات مذکور است مانند مواردی که اطلاعات حرفه‌ای و خاص صرفاً در اختیار بیمه‌گذار بوده است. (امینی و خروشی، ۱۳۸۷: ۱۷۰-۱۷۷) این تحلیل هرچند از حیث منطقی قابل پذیرش است اما اجرای آن در عمل، دشواریهای خاص خود را به همراه خواهد داشت و اثبات موارد استثنا، چالشی جدید را به میان خواهد آورد.

در حقیقت به نظر می‌رسد دقت مضمون ماده ۱۲ و توجه به مواد قبل و بعد از آن، تمایل به شناسایی نقش فعال بیمه‌گر در زمینه مطالبه اطلاعات را تقویت می‌نماید. چراکه از یک سو، بدو، هیچ مقررره‌ای برای الزام بیمه‌گذار نسبت به ارائه داوطلبانه اطلاعات وجود نداشته و از سوی دیگر چینش ماده ۱۲ به گونه‌ای است که گویی قانونگذار قصد داشته بیمه‌گذار را متعهد به حسن مراقبت در پاسخگویی و خودداری از تدلیس نماید چنانچه رفتار خلاف این مطلب، منجر به ضمانت اجرایی سخت نسبت به قرارداد بیمه گردیده است. از این رو به نظر می‌رسد، پذیرش معیار «حسن مراقبت بیمه‌گذار و جلوگیری از تدلیس» می‌تواند انتخاب مناسب‌تری برای کیفیت اجرای تعهد در حقوق داخلی باشد. چنانچه این تحلیل از سوی اصولی‌مانند اصل عدم، اصل برائت یا قاعده قبح عقاب بلا بیان قابل حمایت است.

۴. استثنائات تعهد اطلاع رسانی

بعد از بیان موارد تعهد اطلاع رسانی، لازم است به موضوعاتی اشاره گردد که از حوزه این تعهد مستثنا هستند. این موارد می تواند به موجب حکم قانون بوده یا از اصول کلی نشأت گرفته شده باشد. برای مثال قانون بیمه ۲۰۱۵، بعد از اشاره به علم بیمه گذار، بلافاصله وارد استثنائات شده و مواردی را بر می شمارد که می تواند تا حد زیادی از حوزه تعهد اطلاع رسانی بکاهد. این حکم در قانون بیمه مصرف کنندگان و حقوق ایران، از صراحت قانونی برخوردار نیست؛ اما وجود آن به قدری بدیهی و لازم است که به راحتی می توان به آثار آن استناد نمود. در ادامه برای نظم بیشتر مطلب، تمام موارد استثنا بصورت یکجا و منصرف از جایگاه قانونی آن ارائه می گردد.

۴-۱. اطلاعات بیمه گر

اولین استثنایی که در حوزه تعهد اطلاع رسانی وجود دارد، علم بیمه گر است. ارائه اطلاعات، با هدف کمک به تخمین ریسک و تعیین استراتژی قراردادی صورت می گیرد. در فرضی که بیمه گر خود به این اطلاعات واقف است، تکرار آن نمی تواند تاثیری در تحقق یا تغییر اهداف فوق داشته باشد. لذا منطقی ترین استثنای تعهد اطلاع رسانی، داده های موجود در ذهن بیمه گر است. حال سوالی که در این مورد طرح می شود این است که چه اطلاعاتی در ذهن بیمه گر وجود دارد؟ بیمه گذار بر چه مبنایی، چنین علمی را پیش بینی می نماید؟ و اساسا آیا ملاکی برای فرض علم بیمه گر وجود دارد یا خیر؟ در یک تقسیم بندی کلی، می توان اطلاعات زیر را برای بیمه گر در نظر گرفته و آن را در حوزه استثنائات تعهد اطلاع رسانی قرار داد:

۴-۱-۱. اطلاعاتی که بیمه گر می داند

منظور از اطلاعات فوق، دادهایی که ثابت شده در حوزه علم بیمه گر قرار دارد. طبیعتا این اطلاعات از حوزه تعهد اطلاع رسانی خارج است. برای مثال ممکن است، اطلاعاتی خاص و تخصصی که سابقا توسط شخص بیمه گذار در اختیار بیمه گر قرار گرفته، مجددا به دلیل علم بیمه گر، نیازی به ارائه ندارد لذا این استثنا در هر دو مقام پاسخگویی به سوالات یا ارائه یکجانبه اطلاعات، از حدود تعهد بیمه گذار کسر می نماید.

۴-۱-۲. اطلاعاتی که بیمه گر باید بداند

گروه دومی از اطلاعات که در ذهن بیمه گر وجود داشته و از حوزه تعهد اطلاع رسانی خارج می شود، داده هایی است که هر بیمه گر معقولی نسبت به آن دسترسی دارد. این داده ها، بر اساس رویه کاری و حرفه ای بیمه گران در اختیار آنها قرار میگیرد و می تواند از دانشی ایجاد شود که پیش شرط ورود به حرفه بیمه گری است. وجود این استثنا در قانون بیمه ۲۰۱۵ صراحتا مورد اشاره قرار گرفته و در قوانین ۲۰۱۲ و قانون بیمه ایران نیز به حکم عقل و عرف، قابل استنباط است.

۳-۱-۴. اطلاعات مفروض بیمه گر

گروه سوم از مستثنیات، اطلاعاتی است که وجود آن عرفاً برای بیمه گر فرض می شود. منظور از عنوان فوق، اطلاعات عمومی مربوط به موضوع بیمه است. فرض اولیه این است که افراد از اطلاعات عمومی برخوردارند. این داده ها در دسترس تمام افراد قرار داشته و به واسطه عقل و حواس ایشان قابل حصول خواهد بود. لذا نیازی به تکرار آن نبوده و اساساً عدم تکرار آن موجب نقض تعهد نخواهد شد. برای مثال آگاهی در خصوص اینکه در فلان منطقه جغرافیایی جنگ است یا اینکه به فلان حوزه کاری بلایای طبیعی وارد شده است، جز اطلاعات عمومی بوده و نیازی به ارائه مجدد آن به بیمه گر نیست.

۲-۴. اطلاعات دریافت نشده

نوعی دیگر از اطلاعات که در حوزه علم بیمه گر مفروض است، داده هایی است که او به صورت عمد از دریافت آن خودداری نموده است. این معیار یادآور قاعده اعراض در حوزه اطلاعات بیمه گذار و مشابه آن است. به موجب این قاعده اطلاعاتی که فرد از دریافت آن خودداری کند، مفروضاً در حوزه علم او قرار می گیرد و بعدها نمی تواند نسبت به عدم ارائه آن از سوی بیمه گذار ایرادی وارد کند. قانونگذار در قانون بیمه ۲۰۱۵ به این اطلاعات اشاره کرده و بر اساس آن از بیمه گذار حمایت نموده است. به موجب بند یک ماده ۶ قانون مزبور «چنانچه اطلاعات خاصی در مورد موضوع معامله در اختیار بیمه گر قرار گرفته و او به هر دلیل از دریافت آن خودداری کند، داده های مزبور جزء علم او، مفروض و در نتیجه بیمه گذار را معاف از ارائه می نمایند». لذا اقدام فرد به ضرر خویش نمی تواند منشا تکلیف برای دیگری گردد.

۳-۴. اطلاعات محرمانه

حفظ اطلاعات محرمانه و عدم افشای آن یکی از اصلی ترین تعهدات تجاری محسوب می شود. قرارداد بیمه نیز از این امر مستثنی نیست. در واقع با وجود اینکه بیمه یکی از تاثیرپذیرترین عقود در زمینه دریافت اطلاعات است، نمی توان به استناد اهمیت اطلاع رسانی، از اجرای تعهد محرمانگی در آن عدول نموده و با اصرار بر دریافت اطلاعات، انتظار بر افشای تمام اطلاعات موثر داشت. در خصوص محرمانگی باید گفت این وصف به دو جهت می تواند همانند یک برچسب به اطلاعات خاص نسبت داده شود: ماهیت اطلاعات، توافق طرفین.

از حیث ماهیت می توان گفت برخی اطلاعات به سختی و با صرف هزینه های سنگین به دست آمده و در عین حال در اختیار تعداد معدودی قرارداد دارد. این اطلاعات که در زمینه خاص خود می تواند بسیار تاثیرگذار باشد، همانند یک کالای تجاری مورد مبادله قرار گرفته و یا جنگ هایی را برای حفاظت از خود به راه بیندازد. لذا طبیعتاً، نیاز ثالث نمی تواند توجیه گر افشای این اطلاعات

باشد؛ چراکه پذیرش امری غیر از این، منجر به جواز داراشدن ناعادلانه شخص به ضرر دیگری خواهد شد. (جنیدی، ۱۳۸۱: ۶۷)

گاهی نیز وصف محرمانگی، با توافق طرفین حاصل می شود. چنانچه طرفین می توانند در قرارداد خود، اطلاعات خاصی را به عنوان «محرمانه» توصیف کنند. در این فرض اگر صاحب اطلاعات بعدها به عنوان نماینده بیمه گذار وارد در مذاکرات پیش قراردادی شود، نمی تواند به بهانه تعهد اطلاع سانی، اقدام به افشاء اطلاعات محرمانه قراردادی به بیمه گر نماید. لذا قدرت تغییر کیفیت اطلاعات و در عین حال نسبی نبودن محرمانگی، موضوعی است که همواره باید مورد توجه و رعایت قرار گیرد.

۴-۴. اطلاعات تقلیل دهنده ریسک

یکی از بدیهی ترین استثنائات در حوزه تعهد اطلاع رسانی مربوط به اطلاعات تخفیف دهنده است. منظور از اطلاعات تخفیف دهنده، دادهایی است که به نفع بیمه گر بوده و دامنه خطر را کاهش می دهد. در این موارد با توجه به اینکه اطلاعات مزبور، تهدیدی برای بیمه گر محسوب نشده و بالعکس موضع او را تقویت می نماید، نیازی به ارائه وجود نداشته و بیمه گر نمی تواند به سبب کوتاهی بیمه گذار، مدعی نقض تعهد گردد. برای مثال درجاییکه بیمه گذار خطری را برای سه سال بیمه کرده، ارائه اطلاعات در خصوص اینکه اوضاع احوال خطرناک حاکم، ممکن است تنها دو سال طول بکشد، جزء اطلاعات تقلیل دهنده ریسک بوده و الزامی به ارائه آن وجود ندارد. یا در مورد بیمه یک کشتی تجاری در سفر خاص، که همراه با پوشش مسئولیت «انحراف از مسیر» است، نیازی به بیان این مطلب نیست که هیچ انحرافی صورت نخواهد گرفت (امینی، منصور، خروشی و عبدالعظیم، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

در همین رابطه، گروه عمده ای از اطلاعات مربوط به اقدامات تامینی امنیتی در حوزه اطلاعات تقلیل دهنده ریسک قرار گرفته و از حوزه تعهد مستثنی می شوند. زیرا این نوع اقدامات، مربوط به داده هایی است که نه تنها تاثیری بر افزایش خطر و ریسک قراردادی ندارد، بلکه موجب کاهش و تخفیف آن نیز می شود. برای مثال اطلاعات مربوط به نوسازی تأسیسات اسکله، جز اطلاعاتی است که می تواند ارتباط مستقیمی با موضوع بیمه داشته و درعین حال موجب کاهش ریسک قراردادی شود. در واقع در این گروه از اطلاعات به دلیل عدم وجود ریسک برای بیمه گر، تعهدی برای ارائه وجود ندارد.

۴-۵. اطلاعات مربوط به انگیزه

اساساً اطلاع در مورد انگیزه بیمه گذار و دانستن اینکه وی با چه نیتی وارد قرارداد شده، چندان تاثیر گذار نیست. لذا نمی توان به استناد عدم ذکر یا تغییر ناگهانی قصد، به نقض تعهد بیمه گذار اشاره نمود. در واقع نهایت تاثیر نیت درونی فرد در بحث مشروعیت قرارداد است که به هر طریق

مسئولیت های خاص خود را به همراه دارد. به عنوان مثال پرونده آقای سیسمیک علیه شرکت بیمه، یک نمونه خوبی برای عدم لزوم اطلاع رسانی نسبت به انگیزه بیمه گذار است. در این پرونده بیمه گذار اقدام به بیمه کشتی خود نمود و در زمان قرارداد، هدف از خرید کشتی را استفاده و لذت شخصی معرفی نمود. بعدها، مدارکی به دست آمد که نشان می داد بیمه گذار قبل از انعقاد قرارداد از هدف و انگیزه خود صرف نظر نموده و کشتی را به اجاره داده است. مدتی بعد به علت وقوع حادثه، خساراتی به بیمه گذار وارد شد و طبیعتاً برای جبران خسارت به بیمه گر مراجعه نمود. اما شرکت بیمه از پرداخت خودداری نمود. پرونده به دادگاه ارسال شد بیمه گذار خواستار جبران خسارت و بیمه گر مدعی نقض وظیفه اطلاع رسانی گردید. عمده استدلال بیمه گر این بوده که بیمه گذار در نیت اولیه خود تغییر ایجاد کرده و این امر را به اطلاع بیمه گر نرسانده است لذا قرارداد به علت نقض صورت گرفته، قابل ابطال است. این استدلال رد شد و در نهایت قاضی با استناد به غیر موثر بودن انگیزه طرفین، حکم علیه بیمه گر صادر نمود. بنابراین، اطلاعات مربوط به انگیزه بیمه گذار یا جهت معامله (هدف از تهیه پوشش بیمه ای) نیز از قلمرو وظیفه اطلاع رسانی خارج است چراکه این نوع اطلاعات تأثیری بر تصمیم بیمه گر نخواهد داشت.

۵. ضمانت اجرا

در حقوق امروری، حقوق بیشتر از آن که بخواهد طرف مقصر را تنبیه کند بر ضمانت اجراهای جبران خسارت طرف فریب خورده یا متضرر تکیه دارد. در این جا باید خاطر نشان شد که آنچه در حوزه حقوق قرار دادها در رابطه با اطلاع رسانی پیش قراردادی مورد توجه می باشد بیشتر ناظر بر ضررهای مادی است. این مورد ناظر بر حکم وضعی در حقوق ما ریشه فقهی دارد و اعتقاد عمومی بر آن است که برای حکم به جبران خسارت باید عنصر مادی ورود ضرر نیز احراز گردد (خویی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۳۸۲). بنابراین اساس مسوولیت مدنی بر وقوع ضرر است و تا هنگامی که خسارتی وارد نشود، جبران آن بی مورد خواهد بود. هر چند طرق دیگری نیز برای جبران خسارت زیان دیده و باز گرداندن به حالت پیشین وجود دارد ولی در هر دو سیستم حقوقی ایران و انگلستان، جبران خسارت مادی اولین ضمانت اجرای عام در نقض قواعد حاکم بر مذاکرات پیش قراردادی است. در این راستا از ابتدایی ترین تا نهایی ترین روش های جبرانی در رابطه با وظیفه اطلاع رسانی را مورد مطالعه قرار می دهیم.

۱-۵. الزم به افشای اطلاعات

کشور ما همانند برخی نظام‌های حقوقی مثل انگلستان چون اصل حسن نیت را به طور کامل به رسمیت نشناخته‌اند و تاکید زیادی بر حاکمیت اراده دارند، چندان به افشای اطلاعات در قرارداد توجه نکرده‌اند ولی این به معنای عدم وجود چنین وظیفه‌ای در قراردادها نیست. (خسروی و اکرمی، ۱۳۹۲: ۷) در واقع عدم پذیرش وظیفه اطلاع رسانی در روند گفتگوهای مقدماتی در حقوق انگلیس مانع از آن نیست که به دلایل دیگر برای طرفی که دیگری را آگاه ننموده مسئولیت ایجاد شود. در واقع در میان انواع ضمانت اجراهای نقض قواعد حاکم بر مذاکرات پیش قراردادی، طرف قرارداد می‌تواند به جای دریافت جبران خسارت مادی، افشای اطلاعات و پایبندی به قرارداد را از طرف مقابل خود خواستار شود. در این زمینه در حقوق انگلستان بر خلاف قاعده کلی بر عدم وظیفه ارائه و افشای اطلاعات در پاره‌ای موارد شخص حتی می‌تواند الزام به افشای اطلاعات را از دادگاه بخواهد. (تریتل، ۱۹۹۹: ۳۳۶) که در زیر به چند مورد اشاره می‌کنیم:

الف- اگر عملکرد یک طرف بر مبنای رابطه اعتمادی، موجب سوء تفاهم دیگری شود موظف به تصحیح آن بوده و نمی‌تواند به استناد نداشتن وظیفه اطلاع رسانی از آن خودداری کند. (اوصیا، ۱۳۷۱: ۳۳۸)

هنگامی که یک طرف در گفتگوهای مقدماتی اظهاراتی کرده و سپس به نادرستی آنها پی می‌برد، موظف به اطلاع رسانی است. جاگر توان قراردادی دو طرف هم سنگ نباشد، طرف نیرومند بایست به طرف کم توان، اطلاع رسانی کند. نمونه این وضع را می‌توان در دو طرف عقد بیمه مشاهده کرد. بیمه گزار موظف است اطلاعاتی که دارد در اختیار بیمه گر قرار دهد و به نظر بر این مبنا بتوان الزام فروشنده به افشای اطلاعات را از دادگاه خواست.

۲-۵. اجرای عین تعهد

در حقوق ایران هرگاه متعهدی از انجام تعهدات خویش امتناع کند. طرف دیگر حق ندارد ابتدا قرارداد را فسخ نماید بلکه باید ابتدا به دادگاه مراجعه نموده الزام متعهد را به اجرا درخواست نماید و تنها در صورتی که این درخواست و لو با هزینه متعهد و توسط دیگری ممکن نباشد میتواند قرارداد را فسخ نماید. این نظریه که همواره بر حقوق کشور حاکم بوده است ضمن آن که گاه مشکلات و بی عدالتی‌هایی را موجب می‌شود، هیچ اصلی نه در فقه دارد که اساس حقوق ما را تشکیل می‌دهد و نه هماهنگ با حقوق کشور های توسعه یافته و نظام حقوق تجارت بین المللی است و نه حتی توجیهی محکم می‌توان برای آن در قانون مدنی یافت. (اشتری، ۱۳۹۵: ۲)

در کامن لا و از جمله حقوق آمریکا در صورتی حکم به ایفای عین تعهد صادر می‌شود که پرداخت خسارت کفایت از ضرر و زیان متعهد له ننماید. همچنین در مواردی که تعیین خسارت ممکن نباشد احتمال دارد حکم به اجرای عین تعهد داده شود. وجود شروط قرار دادی برای ایفای

عین تعهد باعث اجبار دادگاه به صدور حکم به اجرای عین تعهد نمی‌گردد (بن‌شاهر، ۲۰۳:۲۰۱۰). در حقوق انگلیس به صرف تقاضای خواهان، دادگاه دستور یا حکم به ایفای عین تعهد را صادر نخواهد نمود، حتی اگر کالا عین معین بوده و یا کلی در معین یا کلی در ذمه بوده ولی برای قرارداد تخصیص داده شده باشد و دسترسی به آن از طریق مأمور هم آسان باشد. (داراب پور، ۱۳۹۱: ۲۳) در این سیستم حقوقی اصل بر این است که پرداخت خسارت کفایت می‌کند و متعهد را در موضعی قرار می‌دهد که اگر قرارداد هم اجرا می‌شد وی در آن موضع قرار می‌گرفت. در حقوق انگلیس هنگامی که قراردادی نقض می‌شود، اولین چیزی که فکر یک وکیل را مشغول می‌نماید این است که چه مقدار خسارت بایستی پرداخت یا اخذ شود.

۳-۵. حبس ثمن

متعهدله تا قبل از انجام عین تعهد توسط متعهد، می‌تواند از انجام تعهداتی که بر عهده گرفته خودداری نماید. این حق در عقود معاوضی که عموماً تبادل با وجه وجود دارد و ... کاربرد دارد و در عقود رایگان قابلیت استفاده ندارد. (ماده ۳۷۷ ق.مدنی) منظور: خودداری از تسلیم میبوع و ثمن، به دلیل تسلیم طرف دیگر می‌باشد و معلق نمودن تسلیم، تا طرف دیگر تعهد خود را به انجام رساند و ضمانتی در اجرای عین تعهدات و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی در مورد عقد و آن چه مورد مبادله قرار می‌گیرد، می‌باشد و در فرعیات و شروط فرعی کاربرد ندارد، مگر آن شرط جزء ارکان اصلی عقد باشد و جنبه فرعی نداشته باشد. مواد ۳۷۱ و ۳۹۰ ق.مدنی در مورد حق العمل کار و مرسل الیه در مورد حق حبس می‌باشند. مع ذلک قاعده اصلی حق حبس در عقود معاوضی است و در سایر موارد نیاز به تصریح دارد مانند: مواد فوق که بیان شد. در کامن لا و از جمله حقوق آمریکا در عقود معاوضی حق حبس وجود دارد و در بخشی از تعهدات در صورتی که آن بخش عرفاً دارای اهمیت باشد استفاده می‌شود، قابلیت تجزیه ندارد و بخش از میبوع در مقابل بخش از ثمن قرار نمی‌گیرد. در اختلاف در تقدم در طرفین که زودتر تسلیم نماید، می‌توان به محکمه مراجعه و همزمان هر دو آن را به جا آورند، یا از هر دو اجبار برداشته می‌شود، یا ابتدا خریدار و بعد فروشنده، یا برعکس آن یعنی ابتدا فروشنده و بعد خریدار آن را به انجام رساند. به نظر علامه حلی نظر اول تصریح دارد و چون قوانین ساکت است، می‌شود به فقه و فتاوی مراجع، مراجعه و آن را پذیرفت و می‌شود نظر اول را در این خصوص برتر دانست. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۴: ۱۰۳) در اقاله، در چنین مواردی حق حبس در برگرداندن عوض‌ها قابل اعمال است. در حقوق کامن لا حق حبس تحت عنوان تعلیق اجرای قرارداد بررسی می‌شود. در حقوق ایران قاعده‌ای تحت عنوان تعلیق اجرای تعهد به چشم نمی‌خورد. اما در متون قانونی و نظریه دکترین می‌توان حق حبس در قراردادها را منتج نمود. در همین عنوان ماده ۳۷۷ قانون مدنی

اشعار می‌دارد: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر این که مبیع یا ثمن مؤجل باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود»، پس در حقوق کشور ما حق حبس وجود دارد به این مبنا که اگر فروشنده از ایفاء تعهد امتناع کرد خریدار هم می‌تواند از پرداخت ثمن یا هر عمل دیگری که بر عهده گرفته است امتناع کند تا طرف دیگر حاضر به ایفاء تعهد خود باشد. تنها تفاوتی که بین حبس و تعلیق اجرای تعهد است این که حق حبس موقعی است که طرف مقابل تخلف کرده است ولی تعلیق اجرای تعهد، موقعی است که هنوز تخلفی واقع نگردیده است بلکه احتمال نقض اساسی در آتیه می‌باشد (صفایی، ۱۳۸۹: ۳۳۳).

این شیوه جبران خسارتی به نظر در هیچ یک از متون حقوقی مربوط به مسوولیت پیش قراردادی عنوان نشده است. به نظر وقتی که از خطای طرف قراردادای مقصر در هر مرحله از مذاکرات مقدماتی عقد به شیوه‌ای منعقد شده باشد که اگر طرف زیان‌دیده از آن اطلاع حاصل می‌کرد وارد مذاکره نمی‌شد، می‌توان به طرف زیان‌دیده در رابطه با خسارت مادی و اعاده وضع به حالت سابق دانست. به نظر می‌رسد زمانی که فروشنده در رابطه با عقد بیع تمامی اطلاعات را به خریدار نمی‌دهد در واقع او را مسلط بر مورد عقد نگردانیده است به عبارت دیگر شاید عنصر مادی تسلیم تحقیق یافته باشد ولی عنصر معنوی مفهوم تسلیم صورت نگرفته است. به نظر این تئوری نیز به صورت دیگری با عنوان امتناع از اجرای عین تعهد در قوانین انگلستان آمده باشد

۴-۵. جبران خسارت

در سنت حقوقی کامن‌لا فرض بر آن است که پرداخت خسارت وارده در اثر عدم ایفاء تعهد، شیوه‌ی مناسبی برای جبران خسارت است. چه این که متعهد له با استفاده از آن، مورد تعهد را از طریق دیگری تحصیل می‌کند. از این رو الزام به اجرای عین تعهد در مواردی ممکن است که این الزام بهتر از پرداخت خسارت بتواند وضعیت فرد را بهبود بخشد و به اجرای عدالت بینجامد. (چشایر، ۱۹۸۶: ۶۱۱) از آن جایی که امتناع متعهد از اجرای دستور دادگاه توهین تلقی شده و ممکن است با مجازات روبه‌رو و بازداشت شود، دادگاه‌ها تمایلی به اجرای عین تعهد ندارند (تریتل، ۱۹۸۴: ۳۳۹). بنابراین تعهداتی که موضوع آنها کلی است به گونه‌ای که حسب توافق دو طرف یا طبیعت تعهد، اجرای آن از سوی دیگران نیز ممکن باشد، دادگاه‌ها حکم به پرداخت خسارت می‌دهند. در حالی که اگر اجرای مورد تعهد فقط از سوی متعهد ممکن باشد ممکن است متعهد به اجرای عین آن ملزم شود

بنابر این با توجه به این که معمول‌ترین طریقه جبرانی برای تخطی از حسن نیت و پایبندی به مذاکرات مقدماتی، سوای این که ضرر در دوره پیش قراردادی یا در دوره اجرایی عقد نمایان شود، جبران خسارت مادی می‌باشد و بازگرداندن زیان دیده به حالت نخست جز در موارد

استثنایی مورد توجه دادگاه‌ها واقع نشده است. (باریکلو، ۱۳۹۰: ۵۶) مناسب است ابتدا طریقه جبران خسارت را که متشکل از دو نوع خسارت‌های اتکایی و متوقع می‌باشد را مورد بررسی قرار دهیم.

۵-۵. فسخ و یا بطلان

در صورتی که متعهد از اجرای تعهد خودداری کند متعهدله می‌تواند به دادگاه مراجعه و درخواست فسخ و انحلال، قرارداد را به همراه خسارات وارده از متعهد درخواست نماید. این امر مبتنی بر نظر مشهور فقها است که در قانون مدنی مورد تبعیت قرار گرفته است لیکن نظر غیر مشهور آن است که در صورت عدم اجرای تعهد نمیتوان متعهد را به اجرای تعهد اجبار نمود بلکه طرف دیگر میتواند قرارداد را فسخ کند و مطالبه خسارت نماید. (امامی، ۱۳۸۹: ۲۹۰)

عموم حقوقدانان و شارحین قانون مدنی ایران بر این عقیده اند که مادام که امکان الزام متعهد به انجام تعهد وجود دارد، یا امکان انجام تعهد توسط شخص ثالث با هزینه متعهد وجود دارد. حق فسخ قرارداد برای متعهدله وجود نخواهد داشت. زیرا اصل در قراردادها لزوم است قانون قرارداد بین طرفین است و عهدشکن باید اجبار شود. و زمانی که اجرای عقد ممکن است طرفین باید بدان پایبند بوده و اجرا نمایند. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۳۰) بر همین اساس گفته اند که با وجود حق فسخ در ماده (۴۰۲) برای بایع در ماده ۴۰۶ این حق از مشتری سلب شده است علی‌رغم اینکه علی‌الظاهر تفاوتی بین مبیع و ثمن نیست و تفاوت آنها اعتباری است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۸۵)

به نظر می‌رسد در حقوق ما، حقوقدانان مبنای فسخ چنین عقود را استناد به قاعده لا ضرر ولا ضرار در اسلام می‌دانند یعنی مبنای فسخ، جلوگیری و اجتناب از ضرر بیشتر است. با وجود این اگر عدم ارائه اطلاعات قرار دادی در مورد خیار عیب و تدلیس راجع به ماهیت عقد بوده باشد، ضمانت اجرای چنین تقصیری بطلان قرارداد است. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۷۳) به نظر مبنای بطلان قرار دادن چنین عقود، حالتی است که اگر شخص متضرر از عیب معامله آگاه می‌بود در آن موقعیت قرار نمی‌گرفت.

در حقوق انگلستان این که از باب عیب یا تدلیس دوران پیش قرار دادی، در دوره اجرایی عقد، برای فرد متضرر حق فسخ یا بطلان قائل شویم بسیار با دید مضیقی نگریسته شده و به نظر جز در عقود امانی در حالت کلی مقبول واقع نشده است. (تریتل، ۱۹۹۹: ۳۳۶) علت این دیدگاه وجود قاعده‌ای به نام «قاعده اخطار خریدار» است با این وجود اگر مورد معامله دارای عیوب پنهانی باشد و یا عمل خدعه آمیز عمداً از ناحیه یک طرف قرار داد صورت گیرد و یا زمانی که ارائه کننده اطلاعات با وجود آگاهی کامل بر نادرستی اطلاعات ارائه شده دارد به نظر بتوان حق فسخ را برای طرف متضرر شناخت.

نتیجه گیری

در حقوق انگلیس، قرارداد های بیمه به دو گروه عمده بیمه مصرف کنندگان (غیر تجاری) و بیمه مصرف کنندگان (تجاری) تقسیم شده و برای هر یک به ترتیب قوانینی در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ میلادی به تصویب رسیده است که به شیوه خاص خود اجرای تعهد اطلاع رسانی پیش قراردادی را مورد پیش بینی قرار داده اند. قانون بیمه ایران نیز در سال ۱۳۱۶ شمسی به تصویب رسید و بدون تفکیک در نوع قرارداد بیمه، حکم واحدی را برای رعایت تعهد اطلاع رسانی پیش قراردادی در انواع بیمه پیش بینی نموده است. از مقایسه حدود و صغور تعهد در سه قانون فوق، نتایج زیر بدست آمده است:

۱. هر سه قانون تعریف واحدی را از متعهد ارائه داده و خطاب آن ها در اجرای تعهد اطلاع رسانی، بیمه گذار بوده است.

۲. قوانین بیمه انگلستان، از عرف برای تعیین حوزه مسئولیت متعهد استفاده نموده اند و به نوعی به بیمه گذار متعارف توجه نموده اند. قانون بیمه ایران در این مورد ساکت است و معیاری ارائه نمی دهد. لذا به نظر می رسد تصمیم گیری در خصوص اجرا یا نقض تعهد، به تصمیم مقام رسیدگی کننده واگذار شده است.

۲. قانون بیمه ۲۰۱۲، در مقام اجرای تعهد، بیمه گر را موظف به طرح پرسش دانسته و اجباری بر بیمه گذار نسبت به ارائه یکجانبه اطلاعات وارد نمی نماید. در این قانون، تنها وظیفه بیمه گذار، رعایت دقت و انصاف در پاسخگویی و دروی از تدلیس و تقلب است.

۳. قانون بیمه ۲۰۱۵، بیمه گذار را موظف به ارائه یکجانبه اطلاعات، منصرف از مطالبه یا عدم مطالبه بیمه گر دانست و با پیش بینی معیارهایی، مجموعه خاصی از اطلاعات را برای بیمه گذار مفروض نمود.

۴. قانون بیمه ایران، الزامی بر ارائه اطلاعات برای بیمه گذار پیش بینی ننمود و صرفاً ضمانت اجراهایی را برای دروغ یا سکوت او پیش بینی نمود. مقایسه قانون ایران و بررسی شباهت ها و تفاوت ها، این نتیجه را ایجاد نمود که قانونگذار ایران در وضعیتی مشابه قانون بیمه ۲۰۱۲ انگلستان، موضوع تعهد را محدود به اطلاعاتی دانسته که از سوی بیمه گر مورد مطالبه قرار گرفته است.

۵. وجود استثنائاتی مشترک در هر سه قانون، از حوزه تعهد بیمه گذار کاسته است که از جمله آن می توان به علم بیمه گر، خودداری او از دریافت اطلاعات و یا داده های محرمانه اشاره نمود.

منابع

الف) فارسی

۱. اشتری، محمد رضا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر امتناع متعهد از انجام تعهد بر فسخ قرارداد، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و مهندسی، ترکیه: دبیرخانه دائمی همایش، دانشگاه استانبول.
۲. امامی، سیدحسن (۱۳۸۹). حقوق مدنی، جلد اول، تهران: انتشارات اسلامیه.
۳. امینی، منصور، خروشی، عبدالعظیم (۱۳۸۷). قلمرو تعهد بیمه گذار در ارائه اطلاعات موثر بر انعقاد عقد بیمه، فصلنامه صنعت بیمه، ۲۲ (۱): ۱۴۹-۱۷۷.
- http://ensani.ir/fa/article/77967
۴. انصاری، علی، عسکری دهنوی، جواد (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی نقش حسن نیت بیمه گر در انعقاد عقد بیمه، پژوهشنامه بیمه، ۳۰ (۳): ۱۳۸-۱۱۹.
- http://jir.irc.ac.ir/article_13323.html
۵. اوصیا، پرویز (۱۳۷۱). تدلیس - مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، انگلیس، اسلام و ایران، تحولات حقوق خصوصی، زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. ایزانلو، محسن، لطفی، احسان (۱۳۹۰). درباره تعهد بیمه گذار به اطلاع رسانی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۱ (۳): ۷۵-۵۷.
- https://jllq.ut.ac.ir/article_29703.html
۷. آل شیخ، محمد (۱۳۸۱). ماهیت حقوقی و خصوصیات عقد بیمه در بیمه های عمر و مسئولیت مدنی، فصلنامه صنعت بیمه، ۱۷ (۲): ۱۳۸-۱۰۵.
- http://ensani.ir/fa/article/77845
۸. باریکلو، علیرضا، خزایی، سیدعلی (۱۳۹۰). اصل عدالت و پیامدهای آن در دوره پیش قرارداد؛ با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه، مجله حقوقی دادگستری، ۷۵ (۷۶): ۸۷-۵۳.
- http://www.jlj.ir/article_11069.html
۹. جنیدی، لعیان (۱۳۸۱). مطالعه تطبیقی تعهد به دادن اطلاعات با تأکید بر نظام های کامن لا، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۵۶): ۴۷-۱۱.
- https://jflps.ut.ac.ir/article_11124.html
۱۰. خسروی، مجتبی و اکرمی، زهرا (۱۳۹۲). ماهیت تعهد به اطلاع رسانی پیش قراردادی و ضمانت اجراهای ناشی از نقض آن، ابرکوه: اولین همایش ملی قرارداد، اصول و چالش های پیش رو.
۱۱. داراب پور، مهربان (۱۳۹۱). تفسیری بر حقوق بین المللی، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۲. شهیدی مهدی (۱۳۸۰). تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران: نشر حقوقدان.
۱۳. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۴. عابدیان، میرحسین، خروشی، عبدالعظیم (۱۳۸۸). تعهدات پیش قراردادی بیمه گر و جای خالی

آن در لایحه بیمه تجاری، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۲ (۵۰): ۲۱۹-۲۵۳.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56278.html

۱۵. قاسمی حامد، عباس (۱۳۷۴). **مروری اجمالی بر نظریه تعهد به دادن اطلاعات در قرارداد**

از دیدگاه حقوق فرانسه، خبرنامه کانون وکلا، شماره ۱۰.

۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). **قواعد عمومی قراردادها**، ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۷. نشاط، امیرصادق (۱۳۷۲). **غرر و شرط به نفع ثالث در بیمه عمر**، فصلنامه صنعت بیمه مرکزی،

(۳۲): ۳۵-۴۱.

<http://ensani.ir/fa/article/77480>

ب) عربی

خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶ ق). **مصباح الفقاهه فی المعاملات**، ج ۲، بیروت: دارالهدی.

ج) لاتین

Ben-Shaher, Omri, (2010). **Fault In American Contract Law**, Cambridge University Press.

Cheshire And Fifoot (1986). **The Law Of Contract**, 14 Ed, ,Buter Worths.

Gürses, Ozlem,(2015) **Marine Insurance Law**, Routledge.

Soyer, Baris,(2014) **Marian Insurance Fraud**, Maritime and Transport Law Laibrary, CRC Press.

Treitel, Guenter,(1999), **The Law of Contract**. London: Sweet & Maxwell.

Ttreitel.G.H.(1984),**An Outline Of The Law Of Contract**, 3ed, Buter Worths.